خبر

مشکل کامیون داران برطرف شد

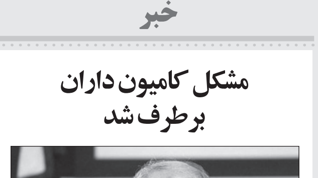

استاندار گلستان با بیان این که مشکلات کامیونداران گلستانی برطرف شده است، گفت: ۱۱۰ مرکز خرید در گلستان وجود دارد. به گزارش مهر، سیدمناف هاشمی، اظهار کرد: مشکلات عمده کامیون داران برطرف شده و در سطح استان عالی عمل می کنند. وی ضمن تشکر از زحمات آن ها، افزود: خواسته های آن ها تا جایی که مقدور بود با همکاری راهداری و حوزه های مرتبط برطرف شد و به یک تفاهم در قیمت رسیدیم. هاشمی تصریح کرد: در حوزه محصولاتی کشاورزی چون گندم، کلزا، جو و غیره اقدامات خوبی صورت گرفته و ۱۱۰ مرکز خرید گندم در استان مهیا است. وی اظهار کرد: مشکل اساسی در زمینه خرید سیب زمینی ایجاد شده بود؛ اگر قیمت سیب زمینی پایین تر از ۴۱۲ تومان بود کشاورزان می توانند آن را به مراکز خرید ما بفروشند.استاندار گلستان گفت: مشکل دیگر لزوم داشتن معرفی نامه برای گندم کاران بود که این مسأله با مذاکره و تفاهم با جهاد کشاورزی مبنی بر این که ضرورتی ندارد همه کشاورزان، معرفی نامه داشته باشند، برطرف شد. هاشمی با بیان این که سامانه ای که اسم و مشخصات کشاورز در آن آمده ملاک کار ما است، ادامه داد: نام و مشخصات برخی از کشاورزان که حدوداً ۱۰ درصد هستند در سامانه نیست و برای جلوگیری از ورود افراد سودجو به ناچار این افراد باید معرفی نامه داشته باشند. وی با اشاره به این که این عمل شرایط را برای جهاد کشاورزی آسانتر می کند، افزود: امیدواریم در فصل برداشت محصول شرایط وضعیت جوی طوری باشد که محصولات همان طور که پیش بینی شده، جمع آوری شود.هاشمی گفت: مراکز خرید به اندازه کافی ایجاد شده و اگر مرکزی شلوغ بود نمایندگان ما کشاورزان را به مراکز دیگری هدایت می کنند.وی افزود: اگر تناژ ماشینی بین پنج تا هفت تن باشد با هماهنگی های صورت گرفته به مراکز دیگری معرفی می شود.هاشمی همچنین گفت:بعضی از مراکزی که به دلایل مختلف از جمله کسری تعطیل شده، اگر اعتراضی دارند می توانند آن را به صورت مکتوب به دادگستری یا به اداره غله استان اعلام تا در جلسه بررسی مورد تجدید نظر قرار گیرد.

۱۲۵ نیکوکار داوطلب حمایت از یتیمان گلستان شدند

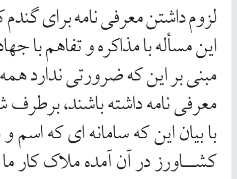

مدیر کل کمیته امداد امام خمینی (ره) گلستان گفت: از ابتدای ماه مبارک رمضان، ۱۲۵ نیکوکار برای حمایت از یتیمان داوطلب شده اند. امان الله حسین پور در گفتگو با ایرنا افزود: همزمان با شب های قدر ۱۰۹ پایگاه و چادر ثابت جذب حامی ایتام و فرزندان محسنین در شهرهای استان گلستان برپا شده است و انتظار داریم شاهد کمک های هرچه بیشتر مردم و حمایت از افراد نیازمند باشیم. وی اظهار کرد: در ماه مبارک رمضان بیش از ۱۰ میلیارد ریال کمک مردمی در سطح استان گلستان جمع آوری شد که با تلفیق اعتبارات دولتی سبد غذایی تهیه و بین نیازمندان توزیع می شود ضمن اینکه سفره های افطاری ساده ویژه نیازمندان برپاست.وی اظهار کرد: در گلستان ۱۸ هزار و ۸۷۴ نفر حامی حدود ۹ هزار نفر یتیم و فرزند محسنین هستند و سال گذشته بیش از ۱۳۰ میلیارد ریال در این رابطه هزینه شد.

سقوط از آبشار کبودوال موجب مرگ جوان ۲۷ ساله مشهدی شد

جوان ۲۷ ساله مشهدی بر اثر سقوط از آبشار کبودوال شهرستان علی آباد کتول جان خود را از داد. به گزارش مهر، یک جوان ۲۷ ساله مشهدی که برای مسافرت و تفریح به شهرستان علی آبادکتول سفر کرده بود به دلیل سقوط از آبشار کبودوال جان خود را از دست داد. غلامرضا غلامی، معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر گلستان با اعلام این حادثه گفت: این جوان در این حادثه به شدت دچار جراحات شده بود که توسط نیروهای امدادی جمعیت هلال احمر به پایین دست منتقل و تحویل اورژانس بیمارستان بقیه الله علی آباد کتول داده شد. علی متکی، رئیس روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی گلستان هم اظهار کرد: این جوان با وضعیت بسیار وخیمی به بیمارستان منتقل شده بود و علی رغم تلاش پزشکان به دلیل جراحات وارده به جمجمه جان خود را از داد.

بهره‌برداری بیش از حد منابع آبی در گلستان

کارشناسان معتقدند که منابع آبی گلستان به خط قرمز بهره‌برداری رسیده، وضعیت تالاب‌های بین‌المللی استان مناسب نیست و جزو استان‌های آلوده کشور هستیم اما مسئولان این موضوع را انکار می‌کنند. به گزارش مهر، پانزدهم خردادماه برابر با پنجم ژوئن از سوی سازمان ملل به عنوان روز جهانی محیط زیست انتخاب شد تا گام‌هایی را برای افزایش آگاهی مردم در حفظ محیط زیست و تحریک سیاستمداران به گرفتن تصمیماتی برای مقابله با تخریب محیط زیست و گونه‌های زیستی جانوری برداریم. سال ۱۹۷۲ سازمان ملل متحد برای نخستین بار در شهر استکهلم سوئد کنفرانسی را با موضوع انسان و محیط زیست برگزار کرد. همزمان با این کنفرانس مجمع عمومی سازمان ملل، قطعنامه‌ای را تصویب کرد که منجر به تشکیل UNEP (برنامه محیط زیست سازمان ملل) شد و حالا ۴۶ سال است که UN (سازمان ملل متحد) در سراسر جهان مراسم ویژه‌ای را به مناسبت این روز برگزار می‌کند. ماموریت UNEP این است که سیاستگذاری‌های دولت‌ها و مشارکت ملت‌ها در مراقبت از محیط زیست را با ایده‌پردازی، اطلاع رسانی و توانمندسازی مردم برای بهبود کیفیت زندگی خود و بدون به خطر انداختن نسل‌های آینده، تشویق و ترغیب کند. این روز (روز جهانی محیط زیست) در ایران آغاز یک هفته به همین عنوان است. به بهانه این روز وضعیت کلی محیط زیست گلستان را از یک دکترای محیط‌زیست جویا شدیم و مزدک دربیکی اظهار کرد: معضل آب موضوع بسیار مهمی است و چند سالی است که گلستان در تنش آبی قرار دارد. وی با یادآوری این‌که هم اکنون سایر استان‌های کشور هم با معضل آب مواجه هستند، گفت: این موضوع (معضل آب) در استان گلستان تشدید شده چرا که وضعیت منابع آبی فقط در قسمت جنوب و جنوب غرب استان نسبتاً مناسب است.

آورد رودخانه‌های استان به شدت کاهش یافت

این دکترای محیط زیست افزود: بر اساس مستنداتی که آب منطقه‌ای گلستان منتشر کرده، در قسمت شمال استان به خط قرمز بهره‌برداری از منابع آبی رسیده‌ایم و این وضعیت بحرانی هم منابع آب‌های سطحی و هم سفره‌های زیرزمینی ما را تحت تأثیر قرار داده است. وی با اشاره به این‌که آورد رودخانه‌های استان به شدت کم شده است، ادامه داد: در رودخانه اترک در حوضه آبریز اترک که یکی از مهم‌ترین حوضه‌های آبریز ایران است هم، با معضل آورد آب مواجه هستیم. دربیکی به دلایل این موضوع اشاره و بیان کرد: سدسازی در بالادست رودخانه (در خراسان شمالی) و سوء مدیریت باعث شده در پایین دست اترک در گلستان هیچ آبی وجود نداشته باشد. وی با بیان این‌که دبی آب چشمه‌های استان هم به شدت کاهش یافته است، تصریح کرد: در بعضی از نقاط استان چشمه‌ها کاملاً خشک شده‌اند و چشمه‌های بعضی از نقاط هم برای کشاورزی و شرب قابل استفاده نیستند. عضو کمیسیون مناطق حفاظت‌شده اتحادیه جهانی حفاظت (IUCN) به وضعیت تالاب‌های استان هم اشاره کرد و گفت: چهار تالاب بین‌المللی استان هم به دلیل وابستگی به آب‌های سطحی با مشکل آب مواجه هستند و وضعیت مناسبی ندارند.

مشخص نیست آلودگی‌های صنعتی استان را چگونه مدیریت می‌کنیم

وی با بیان این‌که آلودگی‌های صنعتی استان را تهدید می‌کند، افزود: در گلستان به کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی فقط مجوز احداث داده‌ایم و در بحث مدیریت آلودگی‌ها مشخص نیست چگونه عمل می‌کنیم و نظارت بر آن‌ها چگونه انجام می‌شود.وی از چند واحد تولیدی به عنوان واحدهای آلاینده در استان نام برد و ادامه داد: در گلستان به واحدهای مرغداری بسیاری مجوز داده شده که کمترین آزار و اذیت آن‌ها، وضعیت بو است که هنوز دستگاه متولی نتوانسته مشکل بو این واحدها را مدیریت کند.عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی با اشاره به این‌که به طور کلی وضعیت آلودگی گلستان زیاد است، اضافه کرد: مطابق تحقیقات جدید در سه استان شمالی ایران، گلستان بیشترین مصرف کود و سم در کشاورزی را داراست و بیشترین میزان آلودگی در این حوزه مختص گلستان است در شرایطی که هیچ نظارتی بر میزان و مصرف سم‌های وارداتی نداریم. به گفته وی شاید آلودگی‌های صنعتی گلستان نسبت به آلودگی کشاورزی (کود و سم) کمتر باشد اما در مجموع گلستان، استان آلوده‌ای است. دربیکی با بیان این‌که شهرهای گلستان بی‌ضابطه و بی‌رویه در حال بزرگ شدن هستند، اظهار کرد: شاید بر روی کاغذ برنامه‌ای داشته باشیم اما به طور عملی هیچ برنامه مدیریتی در این حوزه نداریم و شهرها و روستاهای ما بی‌ضابطه بزرگ می‌شوند و منابع اطرافشان را می‌بلعند. وی با اشاره به این‌که شاهد تغییرات جمعیتی در شهرها و روستاهای استان هستیم، بیان کرد: بسیاری از روستاهای مرزی استان به دلیل شرایط محیطی و وضعیت آب و همچنین ضعف در کشاورزی در حال خالی شدن هستند. وی ادامه داد: حیات وحش گلستان هم که طبق معمول هر ساله با تعرض و شکار غیرمجاز درگیر است و دست‌اندازی به زیستگاه‌ها، جمعیت بسیاری از گونه‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. دربیکی یادآور شد: به دلیل افزایش جمعیت و یکسری روندهای مهاجرتی از استان‌های جنوبی و شرقی کشور به گلستان شاهد فشار مضاعف به منابع، افزایش تعارض و زیاد شدن دست‌اندازی‌ها و تخریب‌ها به منابع طبیعی و اراضی ملی استان هستیم. وی با بیان این‌که در سال‌های اخیر در مناطق حفاظت شده مانند پارک ملی گلستان، جهان نما و ذخیرگاه‌های جنگلی شاهد تخریب، آتش سوزی، دست‌اندازی و ... هستیم، اضافه کرد: این موضوعات در حالی اتفاق می‌افتد که با کمبود امکانات و نیروهای حفاظتی و همچنین امکانات نظارتی و کنترلی در استان مواجه هستیم.

افزایش تعرض به منابع ملی به بهانه توسعه در گلستان

این دکترای محیط زیست با بیان این‌که تعرض و دست‌اندازی‌ها به منابع ملی گلستان را می‌توان از چند زاویه مورد بررسی قرار داد، گفت: هم اکنون شاهد تعرض سکونتگاه‌های انسانی به اراضی ملی و دست‌اندازی به مناطق حفاظت شده و منابع ملی که مدیریت می‌شوند (پارک ملی، ذخیرگاه‌ها و پارک‌های جنگلی) هستیم، که نمونه‌هایی از آن را در در روستای زیارت، جهان نما، چهارباغ و علی‌آباد می‌توان مشاهده کرد. وی به نوع دیگر تعرض به منابع ملی هم اشاره و بیان کرد: نوع دیگر تعرض‌ها به بهانه توسعه کشاورزی، اقتصادی و گردشگری در اراضی ملی استان اتفاق می‌افتد و به بهانه توسعه تغییر کاربری انجام می‌شود. دربیکی تصریح کرد: این تغییر تنها در همان محدوده صورت نمی‌گیرد و بعد از گرفتن مجوز، برنامه‌های دیگری هم اجرا می‌شود که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در طرح توسعه پرورش میگو و موافقت محیط زیست برای واگذاری چند هزار هکتار از جنوب تالاب بین‌المللی گمیشان، مشاهده کرد. دربیکی هرچند ارزیابی نهایی از وضعیت کلی محیط زیست گلستان ارائه نکرد اما اشاره به موضوعاتی که همچنان محیط زیست گلستان را تهدید می‌کند، نشان می‌دهد حال روز منابع آبی، مناطق حفاظت شده، تالاب‌ها و ... در استان خوب نیست موضوعی که مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان نه تنها آن را تایید نمی‌کند بلکه اعتقاد دارد وضعیت استان در بعضی از حوزه‌های مرتبط با محیط زیست به مراتب از استان‌های همجوار (گیلان، مازندران، خراسان شمالی و سمنان) بهتر است. امیر عبدوس با اشاره به این‌که خوب و بد نسبی است، اظهار کرد: شاید بهتر باشد وضعیت محیط زیست گلستان را با استان‌های مشابه خودش همچون گیلان، مازندران، سمنان و خراسان شمالی بسنجیم.

تالاب گمیشان احیاء شد

مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان با بیان این‌که امسال وضعیت بارندگی گلستان نسبت به سایر استان‌ها بهتر بود، گفت: در کنار بارندگی‌های مناسب، لایروبی به موقع کانال‌های آبرسان در اسفندماه و هدایت سیلاب‌ها، هر سه تالاب آلاگل، آجی گل و آلماگل که در آستانه خشکی مطلق قرار گرفته بودند، آبگیری شدند. وی افزود: تالاب بین‌المللی گمیشان سال‌ها خشک شده بود به رغم این‌که آب دریای خزر بالا نیامده با اجرای پروژه‌ای جلوی فرار آب را گرفتیم و آب زهکشی که جهاد کشاورزی اجرا کرده را به تالاب هدایت کردیم و خوشبختانه تالاب گمیشان احیاء شد.عبدوس با اشاره به این‌که هم اکنون همه تالاب‌های داخلی کشور خشک شده‌اند اما تالاب‌های سه گانه گلستان (آلاگل، آجی گل و آلماگل) آب دارند، ادامه داد: زمستان سال گذشته ۱۳۵ هزار پرنده را در تالاب آلاگل سرشماری کردیم و با این شرایط می‌توانیم بگوییم وضع تالاب‌های گلستان خوب است. وی اضافه کرد: وضعیت گلستان در آلودگی‌های صنعتی هم نسبت به دو استان شمالی دیگر بهتر است و هم اکنون هیچ فاضلاب صنعتی در گلستان به رودخانه‌ها تخلیه نمی‌شود. وی بر خلاف دربیکی که از کارخانه سیمان گالیکش به عنوان واحد آلاینده در استان نام می‌برد، معتقد بود با تعطیلی این کارخانه در تابستان، مهر و آبان سال گذشته، این واحد تولیدی مسئله آلودگی هوا را حل کرده است و هم‌اکنون این واحد صنعتی آلاینده نیست. مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان اوضاع مناطق تحت پوشش محیط زیست گلستان را هم نسبت به سایر استان‌ها بهتر دانست و تصریح کرد: هنوز پارک ملی گلستان و منطقه حفاظت شده جهان نما از نظر جمعیت حیات وحش و بکر بودن زیستگاه و همچنین تنوع زیستی در کشور حرف اول را می‌زند و حتی زیستگاه‌های آزاد ما مانند علی آباد بیشترین جمعیت مَرال کشور را داراست. وی تعرض به زیستگاه‌های گلستان را نسبت به سایر استان‌ها کمتر دانست و گفت: این‌که بگوییم حال محیط زیست گلستان خوب است؛ اینگونه نیست چرا که تغییر اقلیم بر محیط زیست استان تاثیر گذاشته است. عبدوس با یادآوری این‌که در تابستان ۹۶ باران نبارید و بسیاری از درخت‌های پارک جنگلی ناهارخوران و پارک ملی گلستان خشک شده است، بیان کرد: ما تاثیرات تغییر اقلیم جهانی را نمی‌توانیم کنترل کنیم اما در کنترل و تشدید نکردن این تغییرات در گلستان تا حدودی موفق بوده‌ایم.وی با اشاره به این‌که تعداد پاسگاه‌های پارک ملی گلستان از نظر وسعت به نسبت مناطق حفاظت شده البرز مرکزی در مازندران و توران در سمنان مطلوب‌تر است، ادامه داد: هم اکنون پارک ملی گلستان ۱۲ پاسگاه دارد که سه تا از آن‌ها به دلیل کمبود محیط‌بان تعطیل است.عبدوس تعداد پاسگاه‌های موجود در مناطق تحت مدیریت محیط زیست گلستان را به نسبت سایر استان‌ها بهتر ارزیابی و اظهار کرد: با این تعداد پاسگاه هنوز نتوانسته‌ایم حفاظت فیزیکی پارک ملی گلستان را تضمین کنیم و همچنان جای نگرانی وجود دارد و شاهد وقوع تخلف صید و شکار در آن هستیم. عبدوس در حالی سایر استان ها را به جای شرایط استاندارد، معیار بررسی وضعیت محیط زیست گلستان قرار می دهد که کارشناسان حوزه محیط زیست، وضعیت تنوع زیستی، حیات وحش، گونه‌های جانوری، تالاب‌ها، تغییر کاربری‌ها و ... در استان را در مقایسه با سال‌های نه چندان دور (یکی دو دهه گذشته) نگران کننده اعلام می‌کنند.

میگوظرفیت رونق اشتغال در گلستان است

پرورش میگو یکی از ظرفیت های اشتغال در گلستان است که تکمیل طرح های در دست اقدام شیلات در این حوزه علاوه بر افزایش درآمد اهالی، زمینه ایجاد فرصت های شغلی بیشتر را برای جوانان این منطقه فراهم می کند. به گزارش ایرنا، گلستان در سال های اخیر با توجه ویژه به توسعه آبزی پروری به یکی از استانهای برتر پرورش میگو در کشور تبدیل شده که فراهم آوردن مقدمات لازم برای تکمیل چرخه تولید، علاوه بر خودکفایی در این زمینه میزان برداشت این آبزی را در استان تا حد زیادی افزایش خواهد داد. مدیر کل شیلات گلستان گفت: برنامه های جامع استان برای بهره برداری کامل از این ظرفیت، رونق اقتصادی کم نظیری را نصیب گلستان کرده و بر درآمدهای پایدار استان خواهد افزود. سیدجواد قدس علوی اظهارکرد: مجتمع تولید میگوی گمیشان هم اینک مهمترین مرکز تولید این آبزی در کشور است که در طراحی نهایی با سطح ۲۸ هزار هکتار، نیاز میگوی داخل را به طور کامل تامین و خواهد توانست به یکی از مراکز اصلی صادرات این گونه به خارج از کشور تبدیل شود.وی بیان کرد: این مجتمع از بخش های مختلفی از جمله سامانه آبگیری، سیستم عمل آوری آب، سیستم هوادهی و گرمایش سالن، سالن پرورش لارو، سالن مولد سازی و سالن تولید غذای زنده تشکیل شده و از مجهزترین کارگاه های تکثیر و تولید بچه میگو در کشور است.مدیر کل شیلات استان گلستان افزود: ۸۰ درصد میگوی تولیدی گلستان به خارج از کشور صادر می شود که پیش بینی شیلات از طرح پرورش این آبزی در افق چشم انداز ۱۴۰۴ تولید ۱۷ هزار و ۲۵۰ تن میگو، ارز آوری ۱۰۰ میلیون دلاری و اشتغال زایی ۸ هزار و ۵۰۰ نفر است.وی اضافه کرد: نگاه شیلات گلستان به پرورش میگو تکمیل همه فرایندها و زنجیره کامل تولید آن در استان است تا از نیاز به استانهای دیگر در مراحل گوناگون مانند تامین بچه میگو، خوراک میگو و مانند آن بی نیاز شده و تمام مراحل پرورش در استان انجام گیرد.

آگهی استعلام بهاء عمومی

شهرداری گرگان در نظر دارد پروژه اجرای عملیات نقشه برداری از محدوده و حریم شهر گرگان و سایر نقاط ابلاغی از سوی کارفرما جهت اجرای پروژه های عمرانی، شهرسازی و املاک شهرداری را به مبلغ برآورد اولیه ۱/۷۰۷/۸۸۱/۳۷۲ ریال بدون تعدیل بر مبنای برآورد، جدول مشخصات فنی و شرایط خصوصی پیوست آگهی مناقصه به شرکت های مهندسی مشاور واجد شرایط واگذار نماید. لذا شرکت های مهندسی مشاور دارای گواهینامه صلاحیت از سازمان برنامه و بودجه، امور نظام فنی و اجرایی در تخصص های نقشه برداری و سیستم اطلاعات جغرافیایی(GIS) می توانند از تاریخ ۹۷/۳/۲۱ لغایت پایان وقت اداری مورخ ۹۷/۴/۲ به واحد امور قراردادهای شهرداری به آدرس گرگان ــ میدان شهرداری ــ شهرداری گرگان ــ طبقه سوم و یا به سایت شهرداری گرگان به آدرس اینترنتیWWW.GORGAN.IR مراجعه و ضمن دریافت اسناد و مدارک استعلام بهاء نسبت به تکمیل و ارائه اسناد در پاکت ب(رزومه، گواهی صلاحیت مشاوره، اسناد و مدارک شرکت در مناقصه، شرکت و...) و پاکت ج (پیشنهاد قیمت) به شرح مدت زمان تعیین شده در پاکت لاک و مهر شده به واحد دبیرخانه شهرداری به آدرس: گرگان ــ میدان شهرداری ــ شهرداری گرگان اقدام نمایند.

عبدالرضا دادبود ــ شهردار گرگان

تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲

» آگهی‌های ثبتی

آگهی سند مخدوش

نظر به این که آقای عباسعلی خوجه داد فرزند محمدعلی طبق درخواست وارده به شماره ۱۴۱ مورخه ۱۳۹۷/۱/۲۲ ادعا نموده که سند مالکیت بیست و پنج هزار سهم مشاع از پانصد هزار سهم ششدانگ یک قطعه زمین دارای پلاک ۱۶ فرعی از ده ـ اصلی واقع در اراضی قریه قجق(کوچکلو) بخش دوازده ثبت آق قلا که به نام عباسعلی خوجه داد صادر و تسلیم گردیده بود بعلت مخدوش بودن قابل استفاده نمی باشد. تقاضای صدور سند مالکیت تعویضی را از این اداره نموده است از این رو به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت و ماده هشت دستور العمل نحوه صدور سند مالکیت تک برگ مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده باید تا ده روز پس از انتشار آگهی، به ثبت محل مراجعه و اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه سند معامله را تسلیم نمایند در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت تعویضی اقدام خواهد شد.

مهدی شاه مهری ـ رییس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا ـ ۱۴۲۰ م الف

آگهی ابلاغ اجرائیه

احتراما بدینوسیله به آقای غلامرضا جوتی ده امام جمعه فرزند نورمحمد به شماره شناسنامه ۳۰۴ و شماره ملی ۲۱۲۰۴۳۴۴۳۳ به نشانی روستای نوده ملک گرگان ابلاغ می گردد که خانم صغری تیموری به استناد سند نکاحیه ۲۴۵۲۱ ـ ۱۳۹۲/۱۲/۲ دفتر ازدواج ۲ و طلاق ۱۶ شهر گرگان با موضوع لازم الاجرای تعداد ۷۲ عدد سکه طلای یک بهار آزادی از کل مهریه که به علت عدم پرداخت بدهی مبادرت به صدور اجرائیه نموده پس از تشریفات قانونی اجرائیه صادر و بکلاسه ۹۶۰۰۷۷ در این اجرا تشکیل با توجه به گزارش مامور در آدرس تعیین شده مورد شناسایی قرار نگرفتید لذا با توجه به درخواست بستانکار و طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی بشما ابلاغ می گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجرائیه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار محل و یا نزدیک محل درج و منتشر می گردد ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر اینصورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرائی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد.

حسین اسماعیلی ـ معاون ثبت گرگان ـ ۱۴۷۴ م الف

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

خبر

اولویت دولت رفع محرومیت از مناطق مرزی گلستان است

مدیرکل سیاسی و انتخابات استانداری گلستان گفت: رفع محرومیت در مناطق مرزی گلستان از برنامه های اولویت دار دولت در استان است. به گزارش مهر، به نقل از پایگاه اطلاع رسانی استانداری گلستان، احسان مکتبی در مراسم تکریم و معارفه بخشداری داشلی‌برون در گنبدکاووس اظهار کرد: نقاط مرزی گلستان دارای محرومیت‌های زیادی است و رفع محرومیت از این مناطق از برنامه‌های اولویت‌دار دولت در استان است. وی افزود: یکی از سیاست‌های جدی و مورد تاکید استاندار گلستان توجه و تمرکز جدی بر روی مناطق مرزی است. مکتبی ادامه داد: مسیر اداره کل سیاسی ایجاد گفتمان و گفتگو بین اقوام، مذاهب و احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف است و معتقدیم باید خوب بشنویم تا با ایجاد همدلی و مودت در برطرف کردن مشکلات گام برداریم زیرا بهترین راه استراتژیک حل مشکلات جامعه ایجاد گفتمان و گفتگو است. مدیرکل سیاسی و انتخابات استانداری گلستان در حوزه انتخابات و انتصابات مدیران استانی تصریح کرد: بیشتر انتخابات و انتصابات با پیشنهادات فرمانداری انجام می‌شود تا بسته مدیریتی کامل در فرمانداری برای افزایش توان مدیریتی امکان‌پذیر شود و فرمانداری‌ها بیش از گذشته پاسخگوی مردم باشند. وی یادآور شد: شنوایی سیستم یکی دیگر از شاخص‌های انتخاب و انتصاب است، مدیریت‌ها باید گوش شنوا برای شنیدن مسائل و مشکلات داشته و این سیستم شنیدن را اولویت کاری خود قرار داده ایم. مکتبی تاکید کرد: در گذشته به مناطق محروم کمتر توجه شده و در نظر داریم تا با مدیران لایق و ارائه خدمات بهتر بتوانیم این کم‌توجهی را ترمیم کنیم چراکه معتقدیم امروزه شهروندان مناطق مرزی با دیگر مناطق گلستان هیچ تفاوتی ندارند و خدمات باید به صورت یکسان به همه آن‌ها ارائه شود. وی شفافیت سیستم را از دیگر شاخص‌های انتخاب و انتصاب دانست و گفت: در حوزه‌های مختلف مدیریتی باید پاسخگوئی شفافی برای مردم داشته‌باشیم.

۲۴۴ میلیارد تومان از طلب کشاورزان گلستانی پرداخت شد

رئیس سازمان جهادکشاورزی گلستان با یادآوری این‌که از ۲۷ اردیبهشت خرید تضمینی محصولات کشاورزی در گلستان آغاز شده از پرداخت ۲۴۴ میلیارد تومان از طلب کشاورزان خبر داد. مختار مهاجر در گفتگو با مهر اظهار کرد: خرید تضمینی محصولات کشاورزی در گلستان از ۲۷ اردیبهشت ماه و با خرید محصول جو از کشاورزان آغاز شد. وی با یادآوری این‌که خرید محصولات کشاورزی در گلستان تا حدود ۴۰ روز آینده ادامه می‌یابد، افزود: برداشت جو، گندم، کلزا و سیب زمینی به طور همزمان در استان آغاز شده و ادامه دارد. رئیس سازمان جهادکشاورزی گلستان با بیان این‌که ۱۰۰ مرکز خرید گندم در استان فعال است، گفت: تاکنون ۶۰۶ هزار تن گندم از کشاورزان استان خریداری شده است. وی ادامه داد: همچنین تاکنون ۱۰۳ هزار تن کلزا در ۴۹ مرکز خرید و ۲۵ هزار تن جو در ۱۸ مرکز از کشاورزان خریداری شده است.

حفاری غیرمجاز در گورستان قدیمی کریم ایشان اتفاق افتاد

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مراوه تپه از انجام حفاری غیرمجاز در گورستان قدیمی و متروکه روستای کریم ایشان در نزدیکی مدرسه و مسجد تاریخی این روستا خبر داد. محمد نظر بهادر در گفتگو با مهر اظهار کرد: صبح جمعه حفاری غیرمجاز در گورستان قدیمی و متروکه روستای کریم ایشان گزارش شد و به همراه نیروهای نیروی انتظامی در محل حاضر شدیم. وی با اشاره به این‌که نمی توان از این اتفاق به عنوان نبش قبر نام برد بلکه یک حفاری غیرمجاز مشابه تمام حفاری‌های غیرمجازی در استان است، افزود: این حفاری داخل قبرستان قدیمی و قبر سید قلیچ ایشان بنیانگذار مسجد و مدرسه تاریخی روستای کریم ایشان اتفاق افتاده است. مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مراوه تپه با بیان این‌که گورستان حدود ۵۰۰ متر از مدرسه و مسجد تاریخی فاصله دارد، ادامه داد: تاکنون هیچ آثاری از حفار یا حفاران غیرمجاز به دست نیامده است.

(نگاهی به مجموعه شعر «سِفرِ سَفَر» از وحید داور)

سِفری بر آمده از سَفَرهای مقدس

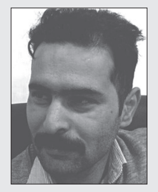

مازیار عارفانی- کتاب «وحید داور» سفری در زمان و مکان است و همه چیز در گذر از مکانی به مکانی و از زمانی به زمانی معنا می‌پذیرد. «سِفرِ سَفَر» به هم‌آمیختگی سرزمین ها، تواریخ، ادیانَ، فرهنگها، زبانها و روایتهای ازلی و ابدی جهان است. از اینرو گاه چنان غریبه مینماید که دیگر باید در فارسی بودنش شک کنی، زیرا ارجاعات بی پانوشت و باپانوشت، بدل به رکن رکین متنی شده است که هم در روایت و هم در شکل از نقطه عزیمت خود سَفَر کرده است و دیگر فارسی صرف نیست. شاید به همین دلیل شعر «داور»، شعری دیریاب به نظر برسد که شدیدن نیازمند بازگشایی رمزگانهای متن است؛ معمایی پیچیده که سعی در پیچیده تر شدن دارد تا بتواند از طریق این رازوارگی به بقای خویش ادامه دهد. این رازوارگی در «سِفرِ سَفَر» بیش از همه وابسته به جاهایی بیرون از متن و روایاتی تاریخی اَست که در گوشه گوشه های این سَفَر یافت و در هم ترکیب می شوند. اولین کلمهء کتاب، یعنی «سِفر» که در کنار «سَفَر» می نشیند و نام اثر، یعنی «سفرِ سَفَر» را تشکیل میدهد، خود موئد اینچنین فرمی است. «سِفر» در زبانِ عبری به معنای کتاب است و یاد آور « «سِفرِ پیدایش»، «سِفرِ خروج»، «سِفرِ لاویان»، «سِفر اعداد» و «سِفر تثنیه» در تَورات یا همانَ عهدعتیق است. پس در همانَ ابتدا ما با عنوانیَ روبروئیم که:

اولن؛ ترکیبی از فارسی و عبری است.

دومن؛ داعیهء کتاب بودن، آن هم از طریق کنایه به نوشتاری مقدس را دارد.

سومن؛ روایت سفر از وطن خویش به جغرافیای دورتر است

چهارمن؛ ترکیب کلامی (سِفرِ سَفَر) و ترکیب بصری جلد (نقاشی آلبرشت دوور) حاکی از روایتیَ مبتنی بر متون مقدس است.

در واقع جلد کتاب از ارجاع به نقاشی آلبرشت دوور گرفته تا زبان عبری و تورات و اسفار اربعه، خودش را در قاموس اثری معرفی میکند که میل به گفتگو با تاریخ و تن دادن به بینامتنیت دارد. گرچه تیراژ ۲۰۰ نسخه ای چون پتکی فرود می آید که اصلن چه بینامتنیتی؟! کتابی که دربارهء کتاب (سِفر) است و با متنهای باستانی شروع به مکالمه و تبادل میکند، خود در چنبرهء سقوط ارزش معنوی اش در جامعهء مصرف گرا فرو رفته است و به ۲۰۰ نسخه قناعت میکند. گویی همه چیز در حال بی اعتبار شدن است و تیراژ کتاب هم جزیی از این بی اعتباری، قطعه ای از این بینامتنیت، پانوشتی پراهمیت از ارجاعات فراوان در «سِفرِ سَفَر» است. تیراژ جزیی جدایی ناپذیر از متنی تاریخمند است که دَر عصر مصرف گرایی تولید میشود و زیر ضرب هجوم بازار و سرمایه داری لجام گسیخته قادر به توزیع شدن نیست. و ۲۰۰ نسخه چون پتکی فرود می آید بر روایت های باستانی... «سفر سَفَر» اما تاکیدی است در همین وضعیت، برای پیدا کردن بسترهایَ گفتگو فراتر از مرزها و زمانها و زبانها... تن زدن از وضعیتی که سعی در یکسان سازی همه چیز و حذف ۲۰۰نسخه ای ها دارد... داور در همان آغاز و با انتخاب عنوان کتاب، علیه

این یکسان سازی شوریده است و سپس کتاب با تیراژ اندکش وضعیت را افشا کرده و اولین شعر نیز با عنوان خود ضربه ای کاری به رویای یکسان سازی و حذف صداهای متفاوت می زند: چناک!

چناک، نام اولین شعر «سِفرِ سَفَر» است. این اولین کلمه، این چناک، چندان آشنا نیست و چنانکه پانوشت میگوید از گویش برخی نقاط جنوب ایران وام گرفته شده و به معنای «به ستوه آمدن» است. چند سطر اول همین شعر نشان می دهد، «داور» در پی اقدامی علیه یکسان سازی و مقاومت در برابر نرمال شدن است:

کردها هوره میخواندند/ صداشان کمانچه می زاد و/ کمانچاواز صدات/ عجیب نافبر شده بود انگار/ با نشید باستانشان/ سکته میزندم قند این متن بالا اگر/ نمی نویسمت شیرین/ ***/ باید کجای سنگ آفتاب حدس می زدم/ پاز مکزیکی ست؟/ -خواهرم پرسید-/...

برخورد زبانی در همین سطرهای ابتدایی کتاب، خود نشان از به هم آمیزی مفاهیم متعدد دارد. از «هوره خوانی» که نوعی موسیقی کردهای جنوب ایران است گرفته تا استفاده از واژهء «نشید» که به معنای آواز و آهنگ است تا واژگانی چون کمانچاواز و نافبر...

در طی این مجموعه، بارها «داور» کلمات غیرمستعمل یا ساختگی را مورد استفاده قرار می دهد، که این عمل در عین حال که معنا را به تاخیر می اندازد، تن به رسمیت زبان و زبان رسمی نیز نمیدهد و در آن مداخله میکند. ارجاعات صرفن به تاریخ یا متون ماسبق ختم نمیشوند، بلکه گاه چون «چناک»، پانوشتی قومی و زبانی دارند و گاه چون «هوره»، بخشی از یک فرهنگ محسوب می شوند که هیچ پانوشتی هم ندارد و گاه چون «نشید» باید دست به دامان لغتنامهء دهخدا شد. از اینرو خواندن این کتاب کاری طاقتفرساست، زیرا صرف خواندن مطرح نیست، بلکه برای مواجهه با آن، باید کمر همت بست و مداومن رمزگشایی کرد. و چه اشکالی دارد اصلن چنین شیوه ای، در جهانی که اطلاعات در کسری از ثانیه در اختیارمان میتواند قرار گیرد؛ و هیچ پانوشتی نیست که قابل ردیابی و دستیابی نباشد؟!

بگذارید اینجا کمی بیشتر مکث کنیم و دوباره برگردیم روی عنوان کتاب: «سفرِ سَفَر». اگر حتا معنای تحت اللفظی این عنوان را «کتابِ سَفَر» در نظر بگیریَم و با توجه به المان های فراوانی نظیر اسب اسکندرَ، شیوا، روپیه، مرزبانان، گورستان تاکستت پارک، بیست و نه نوامبر، لیورپول و... بپذیریم که کنش ویژه در روایت این مجموعه «سَفَر» است، در خواهیم یافت که راوی همواره برای نوشتن (سفر) نیازمند ارجاع به وطن خویش است که بخاطر سَفَر از آن دل کنده، بنابراین چه در حوزه شکل و چه در حوزه معنا نیازمند ارجاع به مکان هایی است که به آنها رفته و شاید هم

از اینروست که واژهء «یوتیوب» در این جهان «نیمه آرکائیک» برجستگی خاصی دارد و حضور بهم می رساند تا بتواند گاه گاهی نیز از طریق ابزار جستجو، چیزها را احضار کند، کمااینکه «سپیده رئیس سادات» را روزی دویست بار و هر بار بیست بار میخواهد از طریق «یوتیوب» احضار کند و کمااینکه تصنیف های خونین را... از دیگر سو میتوان گفت کسی که در سَفَر است، همواره هم ارجاع می دهد و هم ارجاع می پذیرد؛ سَفَر، نیازمند پانوشت های متعدد برای درک و ارتباط متقابل است. کتابت سَفَر، لاجرم دستاوردی از فرهنگها، گویش ها، تاریخ ها، اسطوره ها و روایت های ناهمگونی میتواند باشد که نیازمند توضیح و تبیین هستند، حتا اگر پای «مهدی معاذاللهی» در میان باشد که ابزارهای جستجو او را غزلسرای معاصری به تو تحویل خواهند داد و از سطح یک رابطه شخصی فراتر می رود، بدل به نشانه ای می گردد که با هاجر و چگوارا صرفن معنا خواهد گرفت. خواندن کتاب سَفَر، بدون سرچ و راهنمای سَفَر ممکن نیست! در مجموع میتوان گفت که در کتاب «سفرِ سَفَر» نه تنها ارجاعات و پانوشتها بخشی جدایی ناپذیر از ساختار شعرَند، بلکه پایه و اساس شعر «وحید داور» را نیز شکل می دهند، زیرا سَفَر فرصت حضور هر چیزی را فراهم میکند. سَفَری البته ناخواسته و بالاجبار که خود البته ماحصل چناک، یا به ستوه آمدن است؛ سَفَری صدالبته برای فتح رویاهایی تازه، سَفَری گویی با اسب اسکندر برای فتح جهان، اسبی که این بار خود شاعر است، اسبی تنها و بدون سوار:

.../ گفتم برای گز کردن دنیا/ اسبی قرض کنم از دردانهء فیلیپ(۱)/ رو می زدم چرا؟/ اسبش مگر چه بود اسکندر/ جز تکه های منفک ماهیچه/ بر منحنی های شتاب و ستیز؟!/ پس همچنان قائم به ذات/ کف پاهام نعل کوبیدم/ تا منتهاالیه زمان چارنعل/ از منتهاالیه شوربختی/ این شعر را می نویسم/...

پانوشت:

(۱) یکی از ارجاعات مهم و رمزگان های روایی در این مکتوب، ماجرای فیلیپ و اسکندر است که اشاره دارد به بوکفالوس (بوسفال)، اسب اسکندر مقدونی که در جهانگشایی های این جنگاور نقشی بسزا داشت و سفر بسیار کرد! اما همانطور که میبینید، در ابتدا گفته نمیشود «اسب اسکندر» یا حتا «بوکفالوس»؛ بلکه در بدو این پاراگراف «اسب قرض کردن از دردانهء فیلیپ» مطرح می شود. چنین تمهیدی از آن روست که ما در ارجاعات به دنبال روایتی بگردیم که هر سه ضلع مثلث، یعنی فیلیپ و اسکندر و بوکفالوس در کنار یکدیگر قرار داشته باشند. این وضعیت در واقع اشاره ای به رام کردن بوکفالوس توسط اسکندر است. چنانکه «ساموئل ویلارد کرامپتون» (در کتاب رهبران جهان باستان(۵) اسکندر مقدونی- ترجمه مجتبی پورمحسن_ انتشارات ققنوس) و هارولد لمب (در کتاب اسکندر مقدونی- ترجمه صادق رضازاده شفق_ انتشارات کتابفروشی زوار ۱۳۳۵) و چند مکتوب دیگر اشارات فراوانی بر این ماجرا داشته اند.

شعر

سروده ای از محمدمطلوب

از کوچه پرسیدند اسم عابرانش را
اما نگه میدارد آنهای زبانش را!

گم میشوم در عابرانی که نمی آیند
گم میکنم با رد پاهایش نشانش را

می ایستم در میزنم وا میشود خالی
انگار خالی کرده جایی ساکنانش را

دیگر نمی پیچد میان بادها حتا
بر باد داده بادهای گیسوانش را

حالای تیر انداختن اینجاست اما باز
آرش به همراهش نیاورده کمانش را

هر جای این را قصه می خوانم تفاوتهاست
یوسف به زندان کرده حتا خواهرانش را

از شاخه ی بی برگ هم بر خاک می ریزند
معشوقه ای از هست داده عاشقانش را

هر روز کشف تازه ای گم کرد دنیا را
یک روز پیدا میکنم نصف النهانش را!

سروده ای از هوم بزی

بقای آب/رخ نمی گذارد برای حباب‌های ابد
از بیرون، درونم پیدا بود مثل آب
تنگ تر از تاریکی
تنگتر از آب
برای ماهی
ماهی شناور به تحمیل
تنگ‌تر از هوا که بیرون است
و پنهان از چشم
وجب‌هایم کوتاهند که بگویم...
چطور تاریکی‌ام را به شانه می‌خزید؟
هوایی شدنم زیر آوارِ خودم؟
از آینه بپرسید
چیزی که نشانش بدهیم بلد است به‌جز
خودش را...
هوا را
تاریکی را
از من بپرسید که آب را شانه می‌زدم
از لای همین مژه‌ها بپرسید
سفرم را بسته‌ام
یادت بود از خوابت برگشتم؟
به روزی که دهان هوا شد... شد
آنقدر شرجی که خَود را در باد پهن کردیم!
پر از آب
پر از هوا
همه چیز می‌گذرد
و حباب‌های هوا: ما
از خودت
و بعدی
و بعدی
و بعدی ... بعدی: هشت میلیارد بار که بترکد
می‌خواهم بترکم از هوای اینجا که هنوز بیرون
است
مرا به چرای خودم ببر
به عصیان گوش
به منظره‌هایی از من بیرون
به حتی رویای نامم... به نخ بسته
حالا که دریاست: ماهی کپور
به نخِ بسته به دریا را

غرق آب می کند
روز
روز است
بیماری تازه ای به سیاره ها
و سرایت مثلا ما
از هر طرف به پوستم پناه می برم
به سیاهی خال کوچکم
و پناه می برم به رگ نوشته های گردنم

خیابان‌های نیازموده مثل رگ‌های تنم
پیچ خورده‌اند
گیج خوردم از چمباتمه‌ی دیروز آه
کشیده هوا بر تنم
بروم
بروم از این شعر که دلتنگِ آفتاب باد است
رگ‌هایم نیمه پارس‌های شبانه را از وزه وزیده‌اند
مثل سگی خیس خورده تشنه‌ام
بروم
آه ای چمدان!
رد آفتاب را چکه کن... همین کلماتِ گذری
را می‌گویم
پوستت را برجسته کن
چشم را می‌گویم
حالا که این شعر است می‌توانی آفتاب بگیری

همه مردم جهان به یک زبان سکوت می کنند

کاریکلماتور و پرویز شاپور

آزاده حسینی-پرویز شاپور به گفته ی مادرش مردی کم حرف اما به استناد تاریخ نامی در ادبیات مدرن ایران، مردی که حرف های بسیار برای گفتن داشت. و بدرستی احترام عبارت «کم گوی و گزیده گوی چون دُر» را رعایت می کرد. نویسنده ای که از سی سالگی با نشریه «توفیق» و «سپید و سیاه» شروع کرد. در ابتدا با نام مستعار «کامی» یا «کامیار» نوشته هایش در ستون نشریات آمد. نام فرزندشان که همسرش فروغ فرخزاد نیز در شعرهایش به آن اشاره می کند. در ادامه با فعالیت در نشریه «خوشه» به سردبیری احمد شاملو کارهایش با نام «کاریکلماتور» چاپ شدند. «کاریکاتور کلمات» و بدین ترتیب «کاریکلماتور» چنان از دل بر آمد که لاجرم بر دل دل ادبیات ایران نشست و آمد که بماند. آنچه کاریکاتوریست ها در دنیای طرح و تصویر انجام می دهند، پرویز شاپور با کلمه می کند. توانمندی اش در طراحی و سیاه قلم؛ کم حرفی و شوخ طبعی اش بعنوان خصیصه ی شخصی سبب آفرینش کاریکلماتور در ایران شد. از همه جای حرف می تراشد، کوتاه و تاثیرگذار می نویسد و با تلخ ترین درون مایه ها هم لبخندی گوشه لب مخاطب به جا می گذارد. می گوید: «چرا بی‌خود ولخرجی کنم و یک خط اضافی در طرحم مصرف کنم، این خط را نگه می‌دارم و با آن طرح دیگری می‌سازم!»افزون بر این ها آشنایی با ادبیات کلاسیک ایران و جهان، مطالعه ی ژرف اندیشی های طنزگونه ی حافظ، سعدی، تک بیت های خاص سبک هندی و البته نگاهی به آثار «ژیلبرت سیبرون» فرانسوی؛ راهی به سوی آفرینش این نوع سبک ادبی گشود.دنیای شگفت انگیزکودکانه ای که بی رحم ترین کاراکترها نیز مهربانی هایی دارند و قطره خونی از کسی نمی ریزد. گاهی با چندین سطر و عبارت متفاوت از یک واژه، گویی تمرین و تجربه می کند تا تعریف و وجهی تازه به مفاهیم جهان کلمه دهد. بارها از چند زاویه به اشیا نگاه می کند و طرحی از جنس کلمه بر کاغذ می اندازد. ازین رو آثارش خود یک لغت نامه ی جدید است.

آدم ها:
آدم نابینا در برابر آینه دلش می‌ایستد.
آدم منزوی، ساکن خودش می‌باشد.
عاشق:
عاشق شانه‌ای هستم که افکار پریشان را مرتب می‌کند.
عاشق دکتر مهربانی هستم که برای بادکنک، قرص ضد نفخ تجویز می‌کند.
عاشق گلیمی هستم که نمی گذارد صاحبش پا را از آن فراتر بگذارد.
عاشق ماهی‌ای هستم که در هوای بارانی برای دیدن رنگین‌کمان سرش را از آب بیرون می‌آورد.
ماهی:
دلم برای ماهی ها می سوزد که در ایام کودکی نمی توانند خاک بازی کنند.
دلم به حال ماهی‌ها می‌سوزد چون هیچ‌کس اشکشان را نمی‌فهمد.
آب به اندازه ای گل آلود بود که ماهی، زندگی را تیره و تار می دید.
رد پای ماهی نقش بر آب است.
وقتی عکس گل محمدی در آب افتاد، ماهی ها صلوات فرستادند.
زندگی:
فریاد زندگی در سکوت گورستان ته‌نشین می‌شود.
بار زندگی را با رشته عمرم به دوش می کشم.
زندگی بدون آب از گلوی ماهی پایین نمی رود.

و نمونه های بسیاری از این دست که در بیشتر آنها شگرد حسن تعلیل، رابطه علی و معلولی را به طنز مطرح نموده است.

با نگاهی به ادبیات پیش از شاپور در میان آثار نویسندگان و شاعران نکته هایی از ظریف اندیشی توامان با طنز و ایجاز بسیار می توان یافت. از شعرهای حافظ و سعدی گرفته تا شاعران سبک هندی با فراهنجاری هایی برای دیریاب نمودن متن، پی بردن به کاربرد معناشناسیک کلمه تا ساختار جمله؛ آشنایی زدایی ها و نگاهی به فرمالیست ها و آنچه که شکلوفسکی در بیان و گسترش آن پرداخت تا «ادراک حسی ما را دوباره سازمان دهد». نمونه هایی از طنز و ایجاز در ادبیات ایران می توان بیرون کشید که لابلای غزل ها و متون رخ می نمایند:

حافظ:
«یا وفا، یا خبر وصل تو، یا مرگ رقیب»
«محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد ببرد»
«وصل تو اجل را ز سرم دورهمی داشت»
«بیا که رونق این کارخانه کم نشود/ به زهد همچو تویی، یا به فسق همچو منی» که ظاهری ساده اما درونمایه ای پیچیده و طنزگونه دارد.
واعظ قزوینی: «رم آهوی تصویرم شتابِ ساکنی دارم»
سعدی: «گفتم از جورت بریزم خون خویش/ گفت خون خویشتن درگردنت»
«چو سایه هیچکسست آدمی که هیچش نیست»
«گر یار با جوانان خواهد نشست و رندان/ ما نیز توبه کردیم از زاهدی و پیری»
صائب تبریزی: «در بهشت افتاده است آن کس که مهمان من است»
«کام دل نتوان گرفتن از جهان بی روی سخت / آتش آوردن برون از سنگ، کار آهن است»
«در کهن سالی شود حرص خسیسان بیشتر / تا نگردد خشک دست خار، دامن گیر نیست»
«میوهٔ پخته محال است نیفتد بر خاک/ هر که دل بسته به این دار فنا نیم رس است»

نوع طنز و غافلگیری کاریکلماتور با شعر متفاوت است. کاریکلماتور گاه به امور بدیهی و دم دستی روزانه می پردازد و با این همه سابقه چندانی بعنوان یک سبک مستقل در ادبیات ما ندارد.

پرویز شاپور سال ها پیش سبکی را بوجود آورد که امروز مورد توجه مخاطبان است. نسلی که با کتاب کمتر ارتباط برقرار می کند. و می خواهد هر متنی را سریع دریابد، حتی مفاهیم پیچیده را با بیان ساده و بسته بندی های کوچک می خواهد که بتواند به سرعت از سطری به سطری برود و از هر جای کتاب که گشود جمله ای به سهم خود بردارد و نگران جملات قبل و بعد نباشد. ذهن پیشرو پرویز شاپور کم مجالی مخاطبان امروز را از سال ها پیش دریافته است. سبک شاپور طرفدارانی هم دارد که در برخی موارد متاسفانه به جای نازک اندیشی های تازه، در جستجوی تغییر و تقلید همان گفته‌های شاپورند.

استاد بی نظیر طنز ایران، ابوالفضل زرویی نصرآباد جایی می گوید: «نوشتن برای مخاطبان کم‌طاقت و پرمشغله‌ای که از هر چیز نوع فشرده‌اش را می پسندند، مثل توضیح نظریه نسبیت برای کسی است که در خیابان با عجله دنبال توالت عمومی می گردد.» ایشان در گفتاری مخاطبان کاریکلماتورهای پرویز شاپور را در دو دسته معرفی می کنند: «دسته اول کسانی هستند که ماهیت کار شاپور را با درک درست از کاریکلماتور شناخته اند و دسته دوم به صورت شکلی کار شاپور را دنبال می کنند و فکر می کنند هر جمله ای که گربه، درخت، ماهی و سنجاق قفلی داشته باشد کاریکلماتور است».

شاید هم نسلان من او را از نشریه ی «گل آقا» و سپس از کتاب هایش شناخته اند. اولین آن در سال ۱۳۵۰ و آخرین آن «پایین آمدن درخت از گربه» در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید. بخشی از کتاب طراحان طنزاندیش ایران نیز به پرویز شاپور اختصاص دارد.

آثارش سرشار از آرایه های ادبی و شناخت ویژگی های زبان پارسی است. بیشترین ایجاز را با حس آمیزی، پارادوکس، تمثیل و بازی های زبانی دارند. و گاهی نیز می توان اینگونه پنداشت که با نوع مدرن ضرب المثل مواجهیم؛ حال آنکه گاه با ضرب المثل ها شوخی می کند.

نمونه هایی از کاریکلتماتور پرویز شاپور:
جارو، شکم خالی سطل زباله را پر می کند.
برای مردن عمری فرصت دارم.
اگر خودم هم مثل ساعتم جلو رفته بودم حالا به همه جا رسیده بودم.
ستارگان سکه هایی هستند که فرشتگان در قلک آسمان پس انداز کرده اند.
با اینکه گل های قالی خار ندارند ، مردم با کفش روی آن پا می گذارند.
سایهٔ چهار نژاد یک رنگ است.
به یاد ندارم نابینایی به من تنه زده باشد.
قلبم پرجمعیت ترین شهر دنیاست.
نوشته شده روی سنگ مزارش به نگاهم خوش آمدی.
قطره ی باران، اقیانوس کوچکی است.
هر درخت پیر، صندلی جوانی می تواند باشد.
اگر بخواهم پرنده را محبوس کنم، قفسی به بزرگی آسمان میسازم.
روی هم رفته زن و شوهر مهربانی هستند!
به عقیده گیوتین، سر آدم زیادی است.
برای اینکه پشه‌ها کاملاً ناامید نشوند، دستم را از پشه‌بند بیرون می گذارم.
گربه بیش از دیگران در فکر آزادی پرنده ی محبوس است..
غم، کلکسیون خنده‌هام را به سرقت برد.

بلبل مرتاض، روی گل خاردار می‌نشیند!
باغبان وقتی دید باران قبول زحمت کرده، به آبپاش مرخصی داد.
قطره باران غمگین روی گونه ام اشک می ریزد.
فواره و قوه جاذبه از سربه سر گذاشتن هم سیر نمی شوند.
در خشکسالی آب از آب تکان نمی خورد.
رد پای ماهی نقش بر آب است

آثار:
کاریکلماتور –انتشارات نمونه – ۱۳۵۰
کاریکلماتور ۲ –انتشارات بامداد – ۱۳۵۴
کاریکلماتور ۳ با نام «با گردباد می‌رقصم» –انتشارات مروارید – ۱۳۵۴
کاریکلماتور ۴ –انتشارات مروارید – ۱۳۵۶
کاریکلماتور ۵ –انتشارات پرستش – ۱۳۶۶
کاریکلماتور ۶ –انتشارات مروارید – ۱۳۷۶
کاریکلماتور ۷ با نام «به نگاهم خوش آمدی» –انتشارات گل آقا – ۱۳۷۸
کاریکلماتور ۸ با نام «پایین امدن درخت از گربه» –انتشارات مروارید – ۱۳۸۲
موش و گربه عبید زاکانی با طرحهای پرویز شاپور انتشارات مروارید – ۱۳۵۲
فانتزی سنجاق قفلی –انتشارات پویش – ۱۳۵۵
تفریحنامه (طرح‌های مشترک بیژن اسدی پور و پرویز شاپور) – انتشارات مروارید – ۱۳۵۵
قلبم‌رابا‌قلبت‌میزان‌می‌کنم(مجموعه‌کاریکلماتورها)–انتشارات‌مروارید–۱۳۸۶

کجاست فکر حکیمی و رای برهمنی

مانی سعد آباد-تحولات مهم تاریخی راباید از تحولات فرهنگی دید چنانکه وبر درتحلیل خود در علت رشد غرب از تاثیر فرهنگ بر غرب میگوید.این موضوع رامیتوان درباب انقلاب اسلامی هم تعمیم داد چنانکه امام(ره)بارهافرمودند که اگر فرهنگ درست شود جامعه درست میشود.بیشک متولی امر فرهنگ در جامعه ما وزارت ارشاد است اگر چه ارگان های دیگرهم کارفرهنگی میکنند وفعالیتهای فرهنگی ازحوزه فردی تاساختاری در غیر ارشاد هم انجام میشود وعمدتاهم تاثیرات این افراد درخارج ازسیستم اداری که محدودیتهای بوروکراتیک اداری رانداردِ بازتاب گسترده تری داشته است.جدای از فعالیتهایی که توسط افراد وسازمان ها ومجموعه های مردم نهاد وارگان های دیگر درحوزه فرهنگ انجام می دهند اداره کل های ارشاد دراستانها متولی رفق وفتق امور فرهنگی ومدیریت فعالیت های فرهنگی وامور اینچنینی دراستان هستند.پس مدیریت فرهنگی مرکزی دراستانهاباارشاداست که باید بارصد وانالیز مجموعه ها وفعالیتها وخط دهی به بسط فرهنگ انقلابی وارزشی بپردازد.متاسفانه هرروز فانوس امیداهل فرهنگ کم نورتر میشودچراکه به جای سپردن کارها به افراد باتجربه،متخصص ومتعهد که بااهل فرهنگ درحوزه های مختلف تعامل داشته باشند گویی نوعی ازسلیقه فردی بدون پشتوانه کارشناسی حاکم شده که هرکسی رامیتوان درهرجایی گذاشت وبه طرفه العینی میتوان تغییرداد چون به کسی نباید پاسخگو بود!!! یک وجیزه برای فعالیت ارشاد استان دراین سالها نوشته شده بود امااازانجاکه امیدی به اصلاح وتغییر نمی رفت نگارنده از چاپ وانعکاس ان در رسانه ها منصرف شد اما انتصاب جدیدی دیگر ازنوع فرهنگ(البته از نوع تفسیری وتاویلی!!!)منجرشد تاحقیر دست به قلم بگیرد وازرسالت خود کوتاهی نکند.بااین وجود انتصاب جدید تحت عنوان سرپرست انجمن سینما و جوان گلستان بار دیگر این پرسش رادر ذهن نگارنده به وجود اورد که گویی نه تنها تخصص وتجربه بلکه پاسخگویی به افکار عمومی نیز دراین وانفسای روزگار وبه هم ریختگی فرهنگی به طاق نسیان سپرده شده.اما حافظ پاسدار تاریخی فرهنگ ما شاید مارااازاین ملامت وملالت نجات دهد که او پیشتر صبر را راه نجات مادانسته:دلابه صبر کوش که حق رها نکند/چنین عزیز نگینی به دست اهرمنی /مزاج دهر تبه شد دراین بلاحافظ/کجاست فکر حکیمی و رای برهمنی...